



کلاس بدون دیوار



گفت‌وگواز: الهام فراستی
عکاس: امیرحسین عباسی

گاهی معلم فقط معلم نیست، جریانی فرهنگی است؛ جریانی که به تنهایی می‌تواند نمونه و الگویی برای بسیاری از انسان‌ها، و نه فقط فرهنگیان، قرار گیرد. کسانی که شیرینی این جریان را با تمام وجود حس کنند، همراه آن می‌شوند و این همراهی انقلابی فرهنگی به وجود می‌آورد.

در این شماره از مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی، با شما همراه این جریان فرهنگی می‌شویم.

قاسم کاویانی ۲۸ سال سن دارد. ساکن شهرستان جاجرم از استان خراسان شمالی است. دیپلم ریاضی فیزیک دارد، اما تحصیلات دانشگاهی خود را

در رشته‌ی علوم تربیتی ادامه داده و از دانشگاه فرهنگیان فارغ‌التحصیل شده است. اکنون با ۹ سال سابقه‌ی تدریس، آموزگار پایه‌ی ششم ابتدایی از دبستان امام رضا (ع) در شهرستان جاجرم است. در دو سال اخیر در اداره بوده، اما دلتنگی بچه‌ها را تاب نیاورده و از مهر امسال دوباره به مدرسه برگشته است.

■ چه شد که آموزگار شدید؟

ریاضی فیزیک خواندم و دوست داشتم مهندس شوم. از طرف دیگر به مشاوره و روان‌شناسی نیز علاقه داشتم. یکی از برادرانم معلم بود و در روستا تدریس می‌کرد. قبل از کنکور، روزی همراه او به روستا رفتم. وقتی از نزدیک صمیمیت و رفاقت او با دانش‌آموزان روستا را دیدم، خیلی حس و حالم عوض شد. همان‌جا تصمیم گرفتم معلم شوم. از همان موقع هم به داشتن سبک خاص و متفاوت در معلمی فکر می‌کردم. بنابراین، رشته‌ی علوم تربیتی را انتخاب کردم و در دانشگاه فرهنگیان قبول شدم.

■ چرا دوره‌ی ابتدایی را برای تدریس انتخاب کردید؟

بچه‌ها در دوره‌ی ابتدایی مثل لوح پاک و سفیدی هستند که شخصیت و هنجارهای اجتماعی در آن‌ها از همین دوران شکل می‌گیرد. تربیت‌پذیر هستند. من دنیای بچه‌ها را خیلی دوست دارم و تمایلم به دوره‌ی ابتدایی بیشتر است. از طرف دیگر، دوره‌ی ابتدایی زمان شکوفایی استعدادهاست. بچه‌هاست. اگر ما فرصت و امکان شکوفایی استعدادها را در اختیارشان قرار دهیم و به آن‌ها اعتماد کنیم، آن موقع است که می‌بینیم چه استعدادهایی دارند.

به نظر من معلم نقش هدایتگری را دارد که دانش‌آموزان را به یادگیری علاقه‌مند می‌کند. از نگاه من، معلم مهمانی در کلاس بچه‌هاست. این نگاه معلم را متفاوت می‌کند.

ما باید به دانش‌آموزان اعتماد کنیم. بچه‌ها آن قدر درونشان پاک است که وقتی ببینند معلم برایشان ارزش و احترام قائل است و به آن‌ها اعتماد دارد، آن‌ها هم با معلم ارتباط صمیمانه برقرار می‌کنند. من موقعیت را برای رسیدن بچه‌ها به شناخت از خودشان فراهم می‌کنم. حتی در این راه از شغل‌های متنوع دعوت می‌کنم در کلاس حضور پیدا کنند و دانش‌آموزان را با حرفه‌های خودشان آشنا کنند.





باشند؛ چراکه الگوی بچه‌ها هستند. همیشه آماده وارد کلاس شوند و اطلاعاتشان را به‌روز کنند. شناخت کافی از وضعیت خانوادگی هر دانش‌آموز داشته باشند. با اهداف کتاب درسی آشنا باشند. انعطاف‌پذیر باشند و بتوانند خودشان را در جایگاه دانش‌آموز قرار دهند. آموزگاران باید با هوش‌های چندگانه آشنا باشند تا بتوانند استعداد‌های دانش‌آموزان را کشف کنند.

دانش‌آموزان کلاس بدون دیوار دانش‌آموزان مرتب و منظمی هستند که منتظر معلم نمی‌مانند تا وارد کلاس شود و درس را شروع کند. آن‌ها مطالب درس جدید را روز قبل پیش‌خوانی می‌کنند و با آمادگی وارد کلاس می‌شوند.

این دانش‌آموزان در برنامه‌های مدرسه نیز فعال‌اند. آن‌ها به آینده و مسیر شغلی خود فکر می‌کنند؛ چون با شغل‌های متنوع آشنا هستند.

دانش‌آموز کلاس بدون دیوار از سؤال کردن نمی‌ترسد. دوستانش را مسخره نمی‌کند. دوست دارد به هم‌کلاسی‌هایش کمک کند و اگر مطلبی را یاد نگرفته است، به او یاد دهد. دانش‌آموز کلاس بدون دیوار می‌داند چه زمانی موقع درس و چه موقع وقت بازی است.

قرار دادم. اسم کلاس بچه‌ها را «کلاس بدون دیوار» انتخاب کردم؛ به معنی کلاس باز و بدون محدودیت.

در این مسیر، به‌طور معمول، دو ماه اول شروع سال تحصیلی برای من سخت می‌گذرد؛ چون باید تفکرات قبلی بچه‌ها را نسبت به کلاس عوض کنم. همچنین، از بچه‌ها نظرسنجی می‌کنم و نظر آن‌ها را در مورد انتظارشان از معلم می‌پرسم. بعد در مورد نظراتشان با هم صحبت می‌کنیم و در نهایت به توافق می‌رسیم. این نظرسنجی در طول سال خیلی به من کمک می‌کند. تناثر، نمایش و بازی باعث می‌شود روحیه‌ی کار تیمی در بچه‌های کلاس بدون دیوار بسیار بالا رود. من زنگ تفریح‌ها هم کنار بچه‌ها هستم. وقتی دیر وارد کلاس می‌شوم، از بچه‌ها عذرخواهی می‌کنم. وقتی کلاس طولانی می‌شود، از آن‌ها به دلیل اینکه وقتشان را زیاد گرفتم، عذر می‌خواهم.

ما اجازه نداریم خواسته‌ای از دانش‌آموزان داشته باشیم، در حالی که خودمان آن را انجام نمی‌دهیم. من گاهی، از روی عمد، کاغذی روی زمین می‌اندازم و بعد آن را برمی‌دارم و در سطل زباله می‌اندازم. گاهی می‌گویم کلاس چقدر کثیف شده و خودم آن را جارو می‌زنم. بچه‌ها وقتی این رفتارها را ببینند، یاد می‌گیرند و کلاس را از خودشان می‌دانند.

■ در دوران کرونا چه کردید؟

بعد از تجربه‌های موفق‌تری که در کلاس بدون دیوار داشتیم، بالاخره تصمیم گرفتم به اداره‌ی آموزش و پرورش استان بروم تا تجربه‌های خود را از طریق سرگروه‌های آموزشی یا دیگر آموزگاران به اشتراک بگذارم. در دو سال اخیر اداره بودم و تجربه‌ی تدریس در ایام کرونا را نداشتم. از مهر امسال دوباره به مدرسه برگشتم.

■ آموزگار ابتدایی باید چه خصوصیتی داشته باشد؟

باید خیلی مراقب رفتار، گفتار و ظاهر خود

■ کلاس بدون دیوار چگونه است؟

آموزش در کلاس بدون دیوار به کلاس فیزیکی محدود نیست. ما گاهی در کلاس موکت پهن می‌کنیم؛ چون بچه‌ها دوست دارند راحت باشند. گاهی یادگیری در حیاط مدرسه و از طریق بازی اتفاق می‌افتد. گاهی به پارک نزدیک مدرسه می‌رویم و یادگیری در آنجا اتفاق می‌افتد. دانش‌آموزان کلاس بدون دیوار موقع زنگ تفریح عجله‌ای برای بیرون رفتن ندارند؛ چون در کلاس تفریح می‌کنند. گاهی موقع زنگ تفریح من از کلاس می‌روم، اما بچه‌ها می‌مانند و به هم درس یاد می‌دهند.

در کلاس بدون دیوار اگر دانش‌آموز گرسنه باشد، می‌تواند غذایش را در کلاس بخورد. من دانش‌آموزانم را برای دیررسیدن به کلاس بازخواست نمی‌کنم؛ چراکه هر کسی حتی خود من ممکن است دیر برسم و عذر موجهی هم داشته باشم. اگر من شناخت کافی از وضعیت خانوادگی دانش‌آموز داشته باشم، او را برای دیررسیدن به کلاس مؤاخذه نخواهم کرد.

من همیشه دوست داشتم سبک خاصی در معلمی داشته باشم و از دوران دانشگاه به آن فکر می‌کردم. از این رو، خانم توران میرهادی و کلاس فرهاد را الگوی خودم

